

مناظره در دانشگاه شریف

ساعاتی پیش، جلسه اول مناظره‌ام با حجه‌الاسلام احمد واعظی که آثار چندی درباره فهم متن مقدس و هرمنوتیک فلسفی منتشر کرده‌اند، معطوف به آراء نواندیشان دینی درباره ماهیت و مکانیسم وحی به اتمام رسید. در این مناظره که به همت و میزبانی «مدرسه آزاد فکری»، از طریق اسکایپ و در دانشگاه شریف برگزار شد و بیش از دو ساعت به درازا انجامید، من و جناب واعظی به بحث و گفتگو درباره مبادی و مبانی الاهیاتی و هرمنوتیکی و فلسفی امر و حیانی از منظر خویش پرداختیم. واعظی توضیح داد که نظام الاهیاتی بدیلی که توسط نواندیشان دینی طرح شده، به لحاظ سلبی و در نقد دعوی الاهیات سنتی ناکام است، همچنین جنبه ایجابی آنهم موجه نیست و شواهد نقلی ارائه شده، به اصطلاح مثبت مدعا نیست. در این راستا، واعظی بحث از نحوه ظهور ملک بر پیامبر را طرح کرد و با استشهاد به مجلد پنجم «اسفار»، بر ظهور ابژکتیو و عینی ملک وحی بر پیامبر تاکید کرد. علاوه بر این، او با تفکیک رؤیا از «وحی رسالی تنزیلی»، وحیی که به تعبیر ایشان «یتلی» و «یقرأ» است، همچنین تفاوت میان «خیال منفصل» و «خیال متصل» در آراء فیلسوفان مسلمان، تلقی نواندیشان دینی متاخر درباره حدود و ثغور امر و حیانی را نقد کرد. از منظر هرمنوتیکی نیز، به روایت واعظی، نواندیشان دینی، قرائتی «غیر متدینانه» از متن مقدس (قرآن) و سنت اسلامی دارند؛ امری که از ناموجه و فرو نهادنی است و محصول سنتزی عقیم.

از سوی دیگر، من تأکید کردم که بهتر است به جای سراغ گرفتن از سویه سلبی و ایجابی نظریات الاهیاتی نواندیشی دینی جدید، به میزان قدرت تبیینی (explanatory power) آن و ادله و شواهدی که له مدعیات عرضه شده و احیاناً «مزیت نسبی» ای که می‌تواند بر نظریات سنتی داشته باشد، عطف نظر کنیم. اینچنین بهتر می‌توان به ارزیابی نظریات جدید همت گمارد. افزون بر این، با استشهاد به آراء فارابی، ابن سینا، شرح خوارزمی بر «فصوص الحکم» ابن عربی و تفسیر «المیزان» طباطبایی، توضیح دادم که در سنت عرفانی - فلسفی ایرانی - اسلامی، فیلسوفان و عارفانی بوده‌اند که بر نقش ملک و ظهور او در عالم خیال بر پیامبر انگشت تأکید نهاده و متعقدند تکون وحی بدون واسطه قوه خیال نبی متصور نبوده است. در این راستا به رأی مرحوم طباطبایی در تفسیر برخی از آیات سوره فاطر درباره مراد از بالدار بودن فرشتگان نیز پرداختم. افزون بر این، با توضیح این امر که تفسیر متن مقدس به روایت نواندیشان دینی، چنانکه من درمی‌یابم، سویه گادامری پررنگی دارد؛ نظریه‌ای که در آن هم قاری، متن را می‌خواند و هم متن، قاری را می‌خواند و نوعی رابطه دوسویه و دیالکتیکی و تعاملی میان قاری و متن شکل می‌گیرد، توضیح دادم که به جای «قرائت مؤمنانه» و یا «قرائت غیر مؤمنانه»، ترجیح می‌دهم از «قرائت روشمند و رهگشا» در قیاس با «قرائت غیر روشمند و رهگشا» سخن بگویم. به روایت من، نواندیشان دینی، نه در مقام بی‌اعتنایی و فرو نهادن اهمیت مؤلف متن مقدس، چنانکه به روایت جناب واعظی در نگرش «شالوده شکنانه» کسانی چون دریدا دیده می‌شود، بلکه در پی فهم زمینه و زمانه تکون متن مقدس و «قصه گیسویی» اند که چهارده قرن پیش در سرزمین حجاز سروده شده است....

بناست هفته آینده، ادامه این مناظره و گفتگوی علمی در دانشگاه شریف برگزار شود. پس از پایان این مناظره، با خود می‌اندیشیدم می‌توان با کسی که در سنتی به نحو جدی درس خوانده و تربیت علمی یافته، به‌رغم اختلاف نظر عمیق، گفتگو کرد و از این گفتگو و مباحثه، انصافاً بهره‌های فراوان برد؛ دست‌کم اختلاف مبانی و مبادی در این سنخ گفتگوها، بر طرفین بیشتر و بهتر آشکار می‌گردد. از سوی دیگر، با کسی که چه در گفتار و چه در نوشتار، در پی پرونده‌سازی و بولتن‌نویسی و مبتذل کردن بحث است و مبادی و مبانی روشنی ندارد و آموزشِ درستی ندیده و بیش از هر چیز در پی هیاهو کردن و قیل و قال است، گفتگو سودی ندارد و راهی به‌جایی نمی‌گشاید و متضمن اتلاف وقت است. بی‌اعتنایی به چنین افرادی و در عوض، منتقدانِ عالم را برکشیدن و با ایشان وارد دیالوگ انتقادیِ عالمانه شدن، در این میان روشی پسندیده و رهگشاست، که:

زین روش بر اوج انور می روی

ای برادر گر بسر آذر می روی